

جای اداره کما

ذیر - غلامین کتانی

ملکرافات و مکاتیب
باید بعنوان ذیل باشد

مجله

مراد چنانچه طرح و توزیع خواهد

گفت نموده مفت شایسته

کتابخانه

۵۳۳۵

تاریخ کتب به حسب ارباب

تخصیص اجرت لایح و غلامان
فصومی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشتراک بجز در نمره و بابت مؤلف

قیمت اشتراک

یکبار ۵ قران

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

این چه بدی است

پس از قسرها پریشانی وطنی تمام درجات انحطاط
و منزل پس از سالها فترت و طاعت فرسودگی
بقتل و غارت اسارت و زلزل که مافوق آن بر کما
بسیع است دلیل پریشانی مستور نیست - پس از
دست بجزئیات و امتحانات علبده - پس از
فصدن این نکته که امی ب مواقع گران بهای استفاده
را چه از دست ما برای گران گرفتند و چه خود بد بختانه
برای فساد اخلاق و ذنات طبع از دست دادیم
پس از ادراک همه سونه مصائب و محمل هر فروع
منابع اراده خالی همسازان تغیر حوادث زمان
و سرگون کردن سخت ظالمانه ننگهای خنوع و از گون
شدن دولت مسنده روس تعلق گرفته طسیرتی
ترقی را از خاکساک موانع صاف کرده با آوا
غورد - یکسال است که از تاریخ نبرد زاین میبیت
خدای میگذرد -

یکسال است همه نوع اسباب استفاده برای فراهم

شده - بحال است تمام و مسائل اصلاح
و ارتقاء و خود ارادی برای ما منتظرند بیفهم
برند اشتم و بگذره بست ترفی ز فستیم بلکه مشی
تقصیرانی کرده روزگار ما هر در بدتر در است
از پنج سال قبل گردیده قشون روس رفت استیلائی
روس رفت - دستجات صریحه روس رفت
قشون عثمانی همگرم از حد و ایران رفت - تمام
دولت متحار به ممکلی تصدیق بیطربتی حفظ استقلال
ایران داشته و دارند گرانگلیس - دیگر چرا
دامانده ایم؟ - دیگر چه تا ملی داریم؟ - سکوت
وستی ما برای چیست؟ - دیگر چه نظاری داریم؟
دها است علان سخامات صادر شد دکالی مرکز
تعیین گشتند - ولی هنوز اقدامی با شتاب ولایت
نشده - چرا؟ - معلوم نیست -
سیور بر اوین سفیر دولت بالثوکیک مدتهاست
در طهران متوقف در سما اخطار کرده که حاضریم
برای ایحاء استیارات قدمه و بحال عمود رسا

و عقد مصاهبت جدیده در اصل مذکره شوم نه اورا پذیرفتند و نه در صد و برآمدند که گفتند مقصودش چیست و چه میگوید و وجودش ایضا است یا نفع یا بیانش قابل استماع است یا رد کردنی است - دو قدیمه روس مندم شد اما با همت مانده سفیرش میامرایند - اهل از میان رفته بصره او شک شده و با فقار رژیم پوسیده نیگلا دوستی تفریق حسیده اند - صاحب شعبان روسی قزاق خانه ایران کناره کرده میخواهند قزاقخانه را تحویل بدهند ولیای امور قبول نکنند و قول او را خلاف و فاداری بجا میدهند -

تا اورا استورس انگلیسی و سفیر انگلیس مارلیک در پایتخت مکتب بودن شاه و اینهمه مردم و سردارها - و سئالارها - و ایسرا - و حضرت احمد سها - و حضرت اشرفها - و ارباب انواع بدبخت ایرانی قزاقخانه را بخله تصرف میکنند نفس داری نیست - بگوید چه میکنند - ؟ - با هم اتریا و همدان قسوق زیاد میکنند - بیچکس نمیرد همدان کجا است - مکتب کیت و در آنجا چه و آن قسمه حادث شده - ! - و اتریا و همدان چه لزومی پیدا کرده - ! - در جنوب و غرب انگلیسها قسوقون تشکیل میدهند و قسوق سرعت برق سباز هندی دار میکنند در مرکز جلا و اترید قزاق و تسلیح اشوار سفیر انگلیس بمیدستی چند سفیر روسی مشران ایرانی است و در دست ما پس کرده صلحای قوت بر آمد میکنند کسی نیست بگوید کدام حق است و همچنین احوال قبیحه

یککنند - فریاد قلمی از تمام ایران بلند است در طهران روزی بالغ بر چهار صد نفر میسر کنند که هماد انارهای ... و در حال ایران پروردگار حکما شده کله نه را نام و دانست تانیت نام همان بزرگی دروغی که بخودشان بسته اند - حاضر بیست و پرون آورده و مردم را از مکتب نجات دهند - ولایت با محاکم یا حکامش همان کرگان گرسنه و ساهباز دکان خود رود که غیر از بول بیسج خیز را پرستش میکنند اسرار جنگی و مکتب و دولتی از نقل هما یونانی مستقیما بسته خانه سفارت انگلیس نقل میشود کسی نیست صاحب این کار بزرگ را بفهمد یا بفهماند - امروز شاه سفیر انگلیس - حاکم سفیر انگلیس - وزیر سفیر انگلیس - فعال با یرید سفیر انگلیس ختمتیار در بار با سفیر انگلیس - غزل و نصب حکام با سفیر انگلیس - تعیین وزراء با سفیر انگلیس - قوای دولتی در اختیار سفیر انگلیس - ختمتیار جراید با سفیر انگلیس -

با بجز رشته حیات تمام مکتب و سلطنت در دست سفیر انگلیس - هر کاری که نموتندی و فعال سفیر انگلیس است که عرض اندم میکنند - تاریخ ایران همچو گاه چنین بی شرفی و شرب اليهودی را نشان میدهد - قاحت کارای ابد بر از دوره شاه سلطان حسین شده - محشر غریبی است بیگانه عیسی است - واقع آنان تخیر و سهوت میشود نظر در این سلسله و هماد کباب میماند - نفس در این اوضاع خسته اشخاص حساس را برانگیزد

نیاید. چگونه ستوان تحمل کرد؟ - چنان ممکن است
 طاقت آورد! - که پادشاه یک ملک بزرگ
 جانشین اردشیر با یک خود را مطیع صرف اراده
 کلی از ادنی نوکرهای دولت نگلیس ناید
 این چه بدبختی است که مجدداً باین کشور
 محنت کشیده متوجه گشته؟ -
 چه روزگاری است که با زخم در مقابل دیده
 با سوگوشده؟ -
 آنحضرت! تا جدارا! حق و جمع موجود است
 گویند که عریض با صیقل و خالی از شایسته
 و ثروپرست -
 خاطر مقدست! متوجه باین مسئله بنمایم که ایران
 دیگر طاقت نگشاید و بارززه من بیاورد رعیت را
 ندارد - ملک خراب شد - ملت گدا و نابود
 گردید - ثروت معدوم گشت - تجارت
 و غلات از زمین رفت - دیگر زره طاقت و توانی
 نمانده - در این موقع روایت شخص آنحضرت بفر
 خاتین دربار و شیخ انگلیسهای قدار بجزای این
 کشور بنمایند
 شهریار! پس از خلع شاه امی
 (یعنی پدر آنحضرت) با یکدیگر نایب و طینان
 سلطنت ایران را با آنحضرت تقدیم داشته از
 همه چیز مطمئن بودند شاه جوانیکه در قضای آزادی
 بر درش شده هر نوع اقدام جدی در اصلاح
 مملکت و رفاه رعیت خواهند فرمود - چند
 روز آوردند که امید آمدن مبدل بیاس گشته -
 شاه مشروطه محبوب یک ملت بجزایات مثنی

شهرات دربار و تحسیر یک غیر انگلیس بملی حقوق
 ملک و ملت خود را پشت بازند -
 شرف سلاطین ترقی مملکت و نشر عدالت
 و رفاه رعیت - و مختاریت شخص سلطنت است
 نه خسرانی مملکت و تحت لاری دولت مجاد بود
 است سلطنت ترویج قانون مساوات است
 نه نفی اجتماع! - قدرت بیسط قوانین حرب
 و انتخاب مأمورین لایق است نه تحصیل تقدیمی از
 حکام و تسلط آنها بجان ملت و خنثی گذاشتن
 مشروطیت و از کار بازداشتن و واثر دولتی -
 ثروت یک پادشاه آبادی حوزه سلطنت و
 از بیاد دارائی رعیت او است نه اندوخته
 طلا و نقره آنهم با ترقی که مورد تقید تمام ملل عالم
 گردود - هیچ پادشاهی به دستنی بفر دولت مبی
 ستجا و ز خود بر رعیت مطیع خدا کار خویش پادشاهی
 نموده و هیچ قلمی هم تا امروز از انگلیسهای
 سکار حقیقت در راستی ندیده تا آنحضرت مشاهده
 فرمایند!
 زیاد کردن فسوق با پول و صاحب بعبان انگلیسی
 و روسی توأم سلطنت را محکم نمیکند -
 عدالت و رافت فرسودا شد که همه ایرانی قلمی
 آنحضرت کردند زیرا عقل گفته اند تجسس بر سر
 شاهنشاه عادل را رعیت شکر است
 شاهنشاه ما سزاوار نیست که ما دشمنان بسازید
 بدوستان بنازید - آبا خبر از حال امروزه مملکت
 ندارید - آبا از زخم و فکر نشد باید که سخنر کردید
 اسرار کتلان را چه مقصودی است

نیدنم چه برهان و دلیلی عجزت استعاذ میکند
 و از چه نوع کلیاتی خاطر مقدس مطمئن میگردد
 که قدیمیان کسلان جز استقلال مملکت و تحکیم
 مبانی سلطنت مقصودی ندارند ولی تکلیسها به
 سمدستی حاشین در بار ایران را میخواهند نصیب
 نمایند!

آبذات مقدس شانانه حاضر نیستند که در این
 قضیه امتحان فرمایند تا خاصن از خادم و کاتب
 از صادق تمیز داده شود.
 اگر شخص شانانه محصور خائنین است بملت
 فرمایند آنها را از طرف سریر ساهت
 متصرف نمایند!

اگر خود عجزت شریاری از روی غنا و میل
 این برتبات تنگ آوردن تصدیق میفرمایند
 در اینجا نظریه است ان نظریه را بملت بلاغ
 فرمایند تا همه از حقیقت مسند مسوق شده
 و بداند جهت چیست شاه تاج و در مسلمان با دست
 خود بر ریشه سلطنت و قیامت ایران نیر -
 میزند!

خدیو صرد تحت فستون انگلیس سلطان است
 پادشاه دانایک هم در مملکت کوچکی بدون فرمان
 برداری از اجنبی سلطان - کدام یک محترم
 تر و با قدرت ترند؟! -

آیا اقتدار امپراطور آلمان و عظمت او برای
 اطاعت از دولت پرگانه است یا برای متفق
 شدن بملت خود؟! -
 آیا امیر فغانان محترم تر است یا امپراطور

اطرش! آبا امیر بخارا مقدر تر است
 یا سلطان عثمانی؟! -
 و استفا چگونه عجزت شریاری بدون
 هیچ مقدمه استقلال یک مملکت قدیم را محو فرموده
 و تسلیم اراده انگلیس میشود؟! -

صرف نظر از تاریخ گذشتهگان حوادث دوسیه
 حاضره نیکوتر گوای است که عجزت باید بآن
 مستند کرد شوند که بقوت پرگانگان بملت خود
 نخستین و فشار آوردن حسن خرابی زوال و
 خسران و ابلان نخبه نذر کرد

شهریاران! این عجزت ماگر چه نظاره
 قدری خارج از نزاکت جلوه میکند ولی از ستره
 مابین آب و خاک و علاقه با استقلال ایران و
 استحکام سلطنت عجزت نیکارش است
 شد!

خالق عالم را شاه قرار میدسیم که هیچ منظور و
 مقصودی جز خیر دولت و ملت و قطع ایادی اجانب
 نداریم و در این طسرتی حق و صواب بدون
 پروای از مشکلات و غلب تمام قوا ه تمام
 دشته و داریم زیرا در این راه مشروع زنده گانی
 ما با مشرقانه و مردن با ستر از روی شرفندی
 خواهد بود و از ذات مقدس شانانه نیز احترام
 میکنیم که پیش از این بوجهی صحنی اظهارات
 خائنین فریب نخورده قدری امتحان فرمایند
 تا مقصود قدیمیان و سایرین واضح و حقیقت
 کشف گردد! -
 ای شاهنشاه ایران ای جانشین

سلاطین کسان - ای قایم مقام ساسانیا
 راضی نشوید که این ایران مهد قدیم متمدن با دست
 اعظم حضرت مثل مصر و خارا گردد!
 مناسب دیدم که این مقاله را بزرگراه بیات و
 خاتمه دسیم!!!

کاخ خاقان تخت جمید فسر نوشیروان -
 تا یکی باز مح دست خستال این و آن
 طاق کسری بند کند کوب سنور اجنبی
 دجله خون شد زین مصیبت چون دل نوشیروان
 فارس رفت از دست و شد معدوم آن جسم
 زین بدلت خاک بر سر میکند تاج کسان
 فتنه چون ضحاک شد در ملک فرمان گذار
 موشد فر فریدون مرد در رسم کا و بان
 نسبت بجای جنسین امین و رسم سمرطین - ن
 خون بناج و تخت ایران کرببارد اهما
 مرکز فتنه است یکسر پا تخت ملک
 کرده پد نامی مفرود مسکن نام آوران
 شاه ما از خواب غفلت دیده بگشاید اگر
 گریه بر و بر تخت خشم پوریا بکسان
 ملک چهار و محتاج حکمی حاذق است
 تن همی فر ما بدش در دست این نا بگردان
 پادشاهارسم شاهبی یاد گیر از ویسلم
 که گذشته قدرش از قیروان تا قیروان
 ملک ساسان شد سراسر پایمال دشمنان
 مان کجائید ای طان و ده ساسانیا
 خسرو دادانی که اندر خوا بگا داروش
 دیولندن خواب چند چکل مازندران

پادشاهان تو شاستی و این مردم رزمه
 گرگ افت در درمه غفلت اگر دوزد شبان

۳۳۶ جمادی اشانی - تلگراف - در تخت نزه
 حضور مبارک اعظم حضرت سلطان احمد شاه قاجار
 خلد له ملکه

نظر بر وضعیت اینف انگیز و پیش آمد های ناگوار که
 استقلال ملک را مشرزلزل و مقامات ارجمند
 ملت و قومیت را از خسته دار نموده
 توجه خاطر هر مظهر ملوکانه در مضر خانه بکلمات دل

خواهانیم
 فدائیان که از چند می قبل بدون هیچ ملاحظه فقط بنام
 استقلال ملک و سیانت تاج و تخت ذلت همس
 اعظم حضرت قمام و در دیباغ از دشمنان این آس خا
 از هر گونه حد کاری نعلن مکرده و با یک تقسیم خل نا بید
 با هر گونه تضادات مقاومت نموده و جان تلف
 گذارده در نجات وطن به عنبر برار تقاول و تجاوزت
 رژیم سابق روسیه دولت جبار و استقلال شکن
 انگلیس کوشیده و یکوشیم تصور نمیدم که خدا ت
 فدائیان در نظر ایرانیان و مخصوصا آن پرتاج دار
 قابل همه گونه تقدیر و همیشه چه مور و شفید و تر دیدگوا
 بود اینک صلوم گردیده که جمعی از مفسرین
 و مفسدین در مقام آن برآمده که قلب مبارک شاهانه
 نسبت باین فدائیان شبیه ناک و اقدانات اسلام
 خوانانه یک جمعیت وطن خواه و استقلال طلب سا
 بصورت دیگری جلوه گر ساخته و مساعی حمیله این
 حاکمران را عقیم گذارند - از اینک بهترین

شماره ۲

سرف مرفر دو با جمعیت ملیات آن است علیاً
 این فدیایان بهترین گواه نیات و مقاصد است
 و هرگاه عطف و قوی زحمات سه ساله این فدیایان
 شود قسراً تصدیق خواهد شد بخیر مقاصد خود
 که شرمندگت و حفظ مقام قومیت و استقلال مملکت
 است تحقیق ممام دیگری نینموده و نیات بقدر
 عظمت ادس هایونی را در موقع احسرا گذرد
 و بگذریم -

در اینصورت میتوانیم استر حافا تنها نمود که با تقاضا
 مغرضین و قوی نگذارده و فدایان را یک جمعیت
 خادم بان سده سنی و مقام منسج خردانه داشته
 و بوسایلی که مقتضی بدینند از وسایل مفیدین که همواره
 آبادی خود را در خسرانی ایران داشته و میدانند
 جلوگیری فرمایند -

و هرگاه بوسایل عرض تکرانی موجبات طینیان
 خاطر خاطر مفسر مظاهر حاصل نشود ممکن است
 با هر طوکانه نمانده اینفدایان شرف اندوز
 گردیده با دلائل ثبته خدمات صادقانه و تپ
 انقیاد و طاعت نسبت با او امر طوکانه و دولت علیه
 مشهور ساخته و حضوراً بعبه عرض برساند -
 اعلمحضرتا و ضاع افس شمال مرکز و ایالات و ولایات
 و تهدیدات زورگترین دشمن اسلام و ایران صبر
 و طاقت را از کف مسد ایرانی و اینفدایان بود
 بردانه و لند اطراف شع سعادت و استقلال
 مملکت قیام داده و بعضی است تا اثرات شخص اعظم
 که از همه خلافت مسد تر با این آب و خاک است
 با بضروره بیشتر خواهد بود آیا موقع آن برسید

روح بخت مملکت از آن محبه تقاول و تکاور ز
 احسانب نصمیم قطعی فسر موده و احرا با حرا انفرینند
 اعلمحضرتا بهترین مواقع استفاده با خرمین شماره
 و قایل دوره خود رسیده بر زمین و قادی اعظم
 شهریاری که مرآت حقائق است بالتمام
 ربانی پوشیده نیت که اندکی اصرار وقت
 این ملت ستمدیده را که و دایع ایلی و سپرد
 مان اعلمحضرت است بوادی عدم سوق داده
 و در فشار بر حمانه یگانه و دشمن ایران و اسلام
 در گورستان ظلم و پیداده فون خواهد سخت
 بهتر همانا قبل از فوت وقت در مقام علاج
 و چاره جونی برآمده رضا ایندیک دولت قلم
 چندین سنه را سال صورت انارت یافته در عدد
 بخارا و افغانستان بشمار آید ! -

در خانه سخنریند تکرانی خالق عالم و آدم را
 گواه گرفته که اینفدایان طالب مال و جاه و دنیا
 با صدارت و وزارت نبوده و نخواهیم بود -
 فقط و فقط از نقطه نظر دولتمردانی و وطن دوستی
 بعرض این سده حیات بخامر نموده و نظر زرداد
 علوفت و رافت اعلمحضرت شاهنشاهی نسبت بر
 و فدایان در مقام استعانه و اشترمام برآمده
 تا هر چه بر بخت و مسائل نجات این مملکت را
 از غرقاب ممالک فراهم ساختند و موجبات
 آسایش ملت ایران استیسه فرمایند !!!
 - ملت اتحاد اسلام -

- تلگراف از قزوین -

جریده هندس جنگل -

نفر محمد دزد خسرو قافی سهام سلطان شهر

سلطان - شجاع نظام بیور سابق قیدم و دی

دوستان جنرال براتف و شاه خسرو باهد

مدیر وطن و همین نظام کاشی در طهران نسبت با قافی

سینف سلسله که از اشخاص صالح ایران دوست است

بعضی خوابات بی اساس مینانند توسط جریده

هندس خسرو خود مانرا از ان شهر فرورد در هند

سیاه وطن مسرفه میدارم عموم امان خسرو قافی

نمانندگان خواه بیشتر نفوس با مضای کبصد و

استاد و کتب -

رضا علی - خدا مراد - سید فاطمین سبف اله - سا ابر

جاس - نور محمد کریم - حاج فریوز عبدالله فسروز - انان

غزادی - داب - محمد اسم - جانگیر عبدالخان

کر بلای جبال - نقی - ابوتراب - علی مست - رحیم

دادز - ابوتراب - شکر علی - جاس - برحق - حسین

کریم - مولاداد - سپهر رحمت - اندر محمد - بنده علی سینه

نور محمد - یوسف - حسین - لشکر خان - نوروز خان - قحقی

مراد - طاهر رضا - کریم - فضل اله - خرم - زمان - محمد علی

برود - جیدر خان - محمد - ابو حسن - ابراهیم - طریقی

جاستی - نوراد - علی - علی - امیر - امیر - سب با علی

انتم - محمد حسن - نجبان - استنوار - بهادر سینه ان

جاسلی - گل محمد - محبوب - جیم - محمد نقی - محمد زمان

محمد سید شمس - جیدر - رستم - سید موسی - برزو

پرویز خان - فرج - محمد ابریم - خلیل - تک - محمد نجف

علی - شیر غایت - محمد یوسف - محمد باقر - رحمت

شیخ علی حسین علی - نظری - رمضانعلی - رضا محمد

ابراهیم کریم علی - خیراله - شاهی - حسن محمد علی

علی آقا - عبدالحسین - رحیم - جبار - کریم - ابراهیم - رضا

رحیمی - رمضان - ابوالفضل - محمد رحیم - خادرو جبار

بخش - جیدر - مصطفی - خوانان - محمد ابراهیم - رستم

مصطفی علی - رسول - غلامعلی - فسراد - علامه رضا - زلفی

حسن - فرج اله - صفدر - رحیمی - کریم - حسین - سبیری

حضر - آمان اله - قربانعلی - کریم - محمد ادی - شیخ

غزالی - رستم پیک - خدا بخش - برحق - باباخان -

حاجی آقا - طیمور - لطف علی - علی کریم - فاخر بخش - محمد

الوهاب - طماس - نعمت اله - لطف علی - علی کریم -

الاس - آنا بابا - اشاد اله - نور علی - حاج عبد کریم

عبدعلی - صهر علی - رستم - جاس - قربان - علی - نصراله

علی - غزالی -

(- اعلان -)

و برب تربت - تاملال - فروردین ۱۳۰۷

الارات دانه از حکومتی دایه و مدله و نظریه و دست

و لگراف و بریکاد و شرق و فرج سعود و لیدر و کتید

هر یک باید بوظایف مقرر خود رفتار و در حدود و محدوده

مدخله را غیر جائز دانسته مگر آن قدریکه قانون

تجویز نماید و عموم امانی حتی مجاهدین و خلف میان بگویم

حق دفاعات و با شفاعت ندارند تا ادارات

بدون ملاحظه نتوانند بوظایف خود قیام و اتمام

نوده باشند و البته ملاحظه وساعت و شفاعت

را در رسیدگی با مورات در جبهه بخود مراعات

نخواهند نمود !!!

انت نظام اسلام

- مکتوب -

خدمت آقای دیرمسترم حمیده جنگل ام تباه
در شماره ۲۵۱ جریده محترم فتد می راکه از
طرف این بنده نسبت بدست فردش حمیده
درج شده بود جدا نگذیر مینماید
صده در ایگونه احکام در موقع لزوم با منمای
وزارت جلیله معارف حساری آنم با اداره
جلیله نظیه است که فوه حساره ملکت میباشد
بینده مبوط نبوده!!!

نصر سلطان

- جنگل -

سری مخصوص آقای دکا، ابدوله سیر و دار
رقوم داشتند بنا بحسن طینی که با نشان
داریم نگارشش آقای نصر سلطان رتبه
مینمایم!!!

- تقریظ -

مجله شریفه ادبی منطبه طهران بدیریت آتانا
سعد ملک لعالم ادبی و دوق جدیدی عطف
نسرموده دولته آن با داره رسید
موفقت بدیرمسترم و کارکنان آن گرامی
مجله را از خداوند ملت مینایم!!!

- ادبیات گیلکی -

ای مردان بخدا ازه با سندی حرف سر
زل و کاسب و غیر گوشت کینیدم نفر

آتابش طیکه همه غل کینیدی کینه

نه مثل سایر گیان آنم نهند پشت بر

امر ترقی براران دومی دهمی گفتگو

بغیر ازاه دومی باقی مخر فیدی کس بر

اه دوجینه که المانه اتوقوت دار بودیه

مانند کس تنگه دره نترسید از توب و شر

باه دوجمه که هر روز با لون کشتی خور بخور

چاکنه مارم در فکره که خاکه جور دیگر

باه دوجمه که الان در آسمان و خاک

مکار در هر نامادانه نگوئه بیسج اثر

خواهد بگویم آن چه! گوش بدیند تا بگویم

اول غلبه دوم قوه که شماره کینه بهتر

کر بداریم اه دوجمه ده انگلیسه بر طمع

نمانه بار زور نگوئه امه خاکه زیر دزر

نه شما انگلیس باره مخرضه که ده زور بگوئه

بلکینه دوری کند که بداریم اما هنر

ترقه هر دولتی ازاه دوجمه ای برار

باقی دراه دوره مار شیح فایده و سح

اگر ترقی خوانیدی تحصیل بکنید براران

تا که برزور علم اما کار کینیم زیاتر

شاید که آخر کسره با اتفاق و اتحاد

ایران بیایه خلاصی از دشمنان پزیر

- محل فروش -

(ارشت)

راسته علاقه بندان قاسمیرا جعفر حسن زاده

زنجانی

مطبعه کما